

«وحدت وجود»، «وحدت شهود»

و سخن گفتن از خداوند

قاسم کاکایی*، استناد دانشکده الهیات دانشگاه شیراز

طیبه معصومی**، دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شیراز

چکیده

یکی از مهمترین مباحث در فلسفه، کلام و عرفان اسلامی، بحث سخن گفتن از خداست. در این رابطه، «وحدت وجود» و «وحدت شهود» بعنوان دو نگرش به نحوه ارتباط بنده سالک عارف با خداوند و سخن گفتن از وی مطرح گشته اند. هر یک از این دو دیدگاه نمایندگان در سنت عرفان اسلامی داشته و هر کدام معتقدات خاصی در باب وحدت عارفانه دارند. در این نوشتار، ابتدا با طرح نظریه وحدت وجود (بر پایه آراء ابن عربی) و سپس وحدت شهود (بر اساس دیدگاه علاءالدوله سمنانی)، اختلاف آنها در باب وحدت مورد بحث قرار گرفته و سپس مفهوم «خدای متشخص» بعنوان یکی از استلزامات و معتقدات نظریه وحدت شهود، در مقابل خدای مطلق وحدت وجود، بررسی خواهد شد.

کلیدواژگان

وحدت وجود
ابن عربی
خدای متشخص
وحدت شهود
علاءالدوله سمنانی

و فلسفی است ناظر به واقع که ذات، صفات و افعال خداوند، ربط و نسبت خدا و نفس آدمی، امکان عروج بشر خاکی به ذات الهی و وصال جاودانه با وی را توصیف میکنند. بر این اساس، مشخص میشود که غایت عرفان نظری، شناخت حق تعالی - جلّ و علی - و هدف عرفان عملی وصال با اوست. گرچه گفته میشود عرفان نظری بیشتر علمی است ناظر به شرح و توضیح رهیافتها و شهودات باطنی عرفا و اهل سیر و سلوک و این شهودات نیز همگی امور درونی و بغایت شخصیند؛ حالاتی که بسختی در زبان قال می‌کنند، لیکن اگر اساس را بر این نهیم که این احوال درونی غیرقابل شناخت و دسترسیند، درک آراء و اندیشه‌ها یا بعبارتی همسخنی با بزرگان عرفان و تصوف ناممکن خواهد گشت. بنابراین، برای شناخت این احوال و آراء و اندیشه‌ها نیاز به نزدیکی به زبان و معانی و مفاهیم عرفان و عرفا داریم. از سویی دیگر، تنها زبانی که ما برای فهم و انتقال معانی در اختیار داریم، زبان عادی و طبیعی است که بدون فهم این زبان و مفاهیم و مدل‌های آن، فهم مفاهیم و

*.Email:gkakaie@rose.shirazu.ac.ir

** (نویسنده مسئول).Email:Saa.masoumi@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۹

مقدمه

عرفان نظری اسلامی، علم یا آموزه‌ی مابعدالطبیعی